





**بایاتر**  
و  
**بی بی ناز ناز**

امرداد: موزه، آری یا خیر؟  
بایاتر: آری، ولی چند تا؟  
امرداد: بهتر انبارس مهد کودک می خواهد  
بایاتر: مهد کودک هم مری می خواهد، مری هم پول  
امرداد: ایران جزو ۵ کشور تاریخی و فرهنگی دنیاست  
بایاتر: اینقدر نویسنده می ترسم چشم بخوره  
امرداد: زرتشتیان در سال ۱۳۸۱  
بایاتر: نکنه تخم دو زرده گذاشته اند؟  
امرداد: فشار خون و علل آترا بهتر بشناسیم  
بایاتر: بگیرم که شناختم، با این وضعیت جلوشو که  
نمی تویم بگیریم.

امرداد: هنر زود ایرانیان است و بس  
بایاتر: تا به چی بخوای بگی هنر!  
امرداد: بخود مشکل کشا  
بایاتر: مگر اینکه بخود مشکلات ما رو حل کنه  
امرداد: کتاب و مطبوعات جانی تازه می گیرند  
بایاتر: یعنی ۱۰۰ میلیون CCU؟  
امرداد: سبکتری هم رنگ فریاد  
بایاتر: یعنی چه رنگی؟  
امرداد: دانشگاه هاوایی هم مورد تأیید نیست  
بایاتر: مگر چه دانشگاه آزاد خودمون ده دوازده ساله که  
مورد تأیید نیست

امرداد: برونه که با مشکلات بیجه  
بایاتر: نه دیگه، ملت نیستی، مردونه که وقتی دید وضع  
خرابه بذاره در ره  
امرداد: دست های کوچک اسطوره های بزرگ را زنده  
کرنده  
بایاتر: گهی پشت به زین و گهی زین به پشت، به روزی  
هم دست های بزرگ با بولدوزر رفته بودند اسطوره ها را له  
کنند.

امرداد: آزادی و مردمسالاری در ایران باستان  
بایاتر: الکی بزنده، الانم هم آزادی داریم، هم  
مردمسالاری، مگه نه!  
امرداد: ماهاشمه اسفند منتشر شد  
بایاتر: آگه بخدا بخوابد از خرداد و امرداد و... این دیگه  
آخریشه  
امرداد: سال ۱۳۸۲ سال هم از زرتشتیان ایران  
بایاتر: آمیادوم این هم از زرتشتیان است  
موقوفات بشمار

مقاله علمی: جوجه اردک زشت



**کتابخانه‌ها در سال نو!**

**بابائوئل با من است**

دو سال بعد:  
حسای سرم شلوغ شده بود و هم من و هم همسرم حسای مشهور شده بودیم و هر روز برنامه ای داشتیم. هر وقت هم مشکلی پیدا می کرد کافی بود تا دستهای بابائوئل عروسکی را به هم بزیم تا تلفن زنگ بخورد و صدای آنطرف خط زاهنامه ای های لازم را به هم بگوید. خلاصه جای شما خالی عجب دوران خوشی بود.  
دو سال از ماجرای آن شب و آن برنامه کاری گذشت. در این مدت تمام کارهایم را طبق برنامه و نکته به نکته انجام داده بودم. یک شب وقتی که مشکلی در یکی از کارهایم به وجود آمده بود، برای اینکه ببینم چکار باید بکنم به سراغ بابائوئل عروسکی رفتم و دستهایش را به هم زدم. اما هر چه منتظر شدم، صدای زنگ تلفن بازم نداشت. چند بار این کار را تکرار کردم اما فایده ای نداشت. چند روز بعد نامه ای

مقاله علمی: جوجه اردک زشت

**تسخیر**  
تا نخوانی این ستون سرنوشت  
در نیایی فرق بین خوب و زشت  
گر که نیکو سیرتی یا بد سرنوشت  
سرنوشت تو در اینجا شد نوشت

امرداد میخواد بره زیر چاپ و هنوز جای مطلب سرنوشت خالیه و کسی چیزی نوشته به هر کی می گم برای سرنوشت مطلب بنویسه کسی حاضر نیست چیزی بنویسه بالاخره ما هم حوصله مون سررفت و اگه زورمون به هیچکس نمی رسه به این جیرجیرک که می رسه. سرش داد زدیم و گفتیم. معلومه چه خبر شده؟ مگه شما اعتصاب کردید؟ جیرجیرک هم که از منخ راجحه و همیشه حرفهایم را بدون فکر کردن میزنه گفت: آنچه می دونی بچه ها میگن چی بنویسن. دست به هر جاش که بزنی داغونه. مثلاً از آدریان و اتفاقاتی که افتاده بنویسم یا از آتشکده ها اون وضعی که برایش بوجود آوردن؟

از انجمن با این کارهای عجیب و غریبی که هیچ شهبده باقی نمی تونه بکنه یا از کتابخانه که محققا اگر بره برای مطالعه پیش خودش فکر می کنه این جماعت چه جور آدمی هستن؟  
از انجمنی که دوره اش داره سر میاد و کسی حاضر نیست بره ثبت کنه یا از زیارتگاهی که اینقدر کثیف و درب و داغون نگهداشته اند و اونوقت رفتند پولش را سپرده کردند؟ انگار قرآره این زیارتگاه تجارت کنه که سپرده داشته باشه تا باعث اعتبار باشه.  
از سالن خسروی که اینهمه خرچش کردن و تازه می خوان کف آسفالت خانه اش را دوره جمع کنند و از نو بسازند یا از کودوالی که جلوش کشند و هی داره آب میره توش و فردا به نون دونه دیگه می شه.  
از زمین های... صنبائی می شیم و سرش داد میزنیم. این فعلی ها چیه؟ این حرفها به تو نیومه که تو کار بزرگترها در خدمت کنی.  
سرش را زیر میاندازه و میگه: پس منتظر باش تا بچه ها سرنوشت بنویسن!

**بافتنی سابق**



گفتم که توئی دلبر و دلدار من ای پول  
تا هستم و هستی توئی من ای پول  
هر روز شمارم تو مبادا که شوی کام  
دیگر چه کنم بهر تو غم خوار من ای پول  
هر جا که نشان از رخ زیبای تو باشد  
هستند همه عاشق دیدار تو ای پول  
آنکس که بما گفت تو ای ارزش و پوچی  
خود هست شب و روز گرفتار تو ای پول  
هر زشتی و پلشتی که دلم خواست بکرم  
زیرا که توئی، حافظ هو شیار من ای پول  
دانی که چه آمد بسرم عاقبت کار؟  
آب آمد و بگرفت حسابدار من ای پول

ملائصرالدین از سرنوشتی اتاقی اجاره کرده بود که با کوچکترین باد و باران در دیوارش میلرزید. ملائصرالدین پیش صاحب خانه رفت و گفت: این اتاقی که من اجاره داده ای در دیوارش صدای صدام دهد.  
صاحب خانه گفت: اصلاً فکرش را هم نکن همانطور که مردم نیایش و دعا می کنند اینها هم در حال دعا و نیایش هستند. ملائصرالدین گفت: شما راست می گوید اما آنها بعد از نیایش سجده می کنند و خود را روی زمین می اندازند و من هم از سجده کردن اتاقی می ترسم.  
ما هم از این می ترسیم که این اتفاقی که امروز بیفتد باب بشه و دیگه به رسم عادی و قابل قبول باشه.  
اینکه هر کس خانه انجمنی، رستم باغی، چیزی می خواد، اسم نویسی که ولی از اون ور چون قاضی یا دوستی از راه می رسه خارج از نوبت پیش خود بند. تازه بعد از کلی سر دادن وقتی خود بهت دادن ببینی نه اگر مدرسه، داره، نه بخاری، نه کولر، نه رنگ، نه کابینت تازه بولر لوله گاز رو که هفت هشت سال پیش شده و هم از کار بگیری. هر چی داد بزنی که بابا این خونه ایگرمکن نداره کسی محتلو نداره ولی همینکه نور چشمی وارد خونه می شه بدون مصوبه هفت هفت ایگرمکن بخزند و نصب کنند.  
این می ترسم باب بشه که بروند به اتاقی و آب آشپزخونه را ماهی ۴۰ هزار تومن اجاره بدن و ۲۰۰ متر آرتانمان را به نور چشمی ها ماهی ۸۰ تومن. تازه دست هم بار جماعت بکنن که این خانه های انجمنی و علیهذا برای راه حال مستندان است. از این می ترسم که اساس نامه را زیر پا بگذارند و هر کسی که دلتش می خواد بکنه و جوابگو هم نباشه.  
از این می ترسم که یکی دو نفر با این کارهای شایسته جماعت را سرخوردند و خانواده های بیشتری از ایران برن و بالاخره از این می ترسم که...

**چشم و هم چشمی همراهِ با وحشت فرو ریختن، بیداد می کند!**

امرداد، شماره ۴۲ مورخ ۲۴ اردیبهشت ۸۱: تالار نیایش جنب آتشکده زفر و ریخت.  
پنج ماه بعد:  
امرداد، شماره ۵۰ مورخ ۲۳ مهرماه ۸۱: فرو ریختن سقف تالار انجمن زرتشتیان اهواز.  
سه ماه بعد:  
امرداد، شماره ۶۰ مورخ ۱۷ دی ماه ۸۱: سقف تالار قصر فیروزه تهران فرو ریخت.  
یک ماه بعد: ۱۳۹۴:  
از آتشی که اسفینقا و کرمان در اینگونه زمینها فعال نیستند، می ماند کرج و شیواز.  
شایعات به گوش می رسد، که در چند روز آینده نمانده ای از شیواز به بحر خواهد رفت، تا ضمن آگاهی نوبت شیواز به آنان، مهر آتشی بر گذشت و فداکاری شیوازیی را هل تعارف هستند. بیم آن می رود که ضمن سروردن دندانهای اسب پیشکش از قبول این نوبت خود خشن نامیدند. لذا همکیشان شیوازی از چند روز قبل برای خرید کلاه ایمنی به تکاپو افتادند تا از این پس با کلاه ایمنی در محل تالار برگزاری مراسم حضور یابند.  
گفته شد که در این چند روز عده ای نواندیش ضمن اشاره به عملکرد ضعیف مسئولین جامعه شیوازی در ایجاد تیرهای دسته کی

مقاله علمی: جوجه اردک زشت

**چرا آب از آب تکان نمی خورد؟**  
کند. برای این کار به مهندس مشاور نیاز داشت که خوشبختانه مهندس مشاور سانه زنده سد سفیدرود از اقامش بود و با کمی صحبت و توجیه منطقی بالاخره موافقت کرد که با دریافت مبلغ ناچیزی در حدود چند میلیون تومان پروژه ساخت سد را به پایان برساند. اما این هم پایان ماجرا نبود. مردم هر روز در عظیم چشم به شفق می می خوردند تا شاهد پایان ساخت این سد عظیم الجثه باشند. شرح اتمام این پروژه در کتابی تحت عنوان "ماست خان" به تفصیل ذکر شده است که علاقمندان را به خواندن این کتاب جلب می نماید.  
۱- این یک نفر عضو هیات انجمن و سازمان زرتشتی هم نبوده است  
۲- نورسرخ رنگی که در هنگام غروب آفتاب دیده می شود و در کنار دریا منظره بسیار زیبایی را می آفریند و هیچ ارتباطی با مهندسان مشاور ندارد  
۳- حوزة معاونت اداری امور آسانسورها (lifting industry)

**ضرب المثل های اشکی**  
به روایت کنشکی

دشمن دانا بلندت می کند، دوست نادان هم می بلندتر!  
تو آگه لایلی بلدی، بچه های همسایه رو بخوابون که نمی ذاره از صبح چشم رو هم بذاریم!  
آوای دهل شنیدن آگه ناشنوا باشی خوبه!  
آب که از سر گذشت، خوب معلومه که آدم خفه می شه!  
اشکان

**سمپاچی نکنید!**

صابون خارجی Luxe و مسواک و خمیر دندان Dirol اش رو روز می داره بره کوفته، گذاشته تو پارکینگ و شارژر آزشون آب نمی یاد! بعد که می میره سرو صویش رو با ماشین ریش تراشی Philips آخرین مدلش صفا دهنی می بینه که برق ها اتصالی کرده و ماشین ریش تراشی هم یک صدای "بوف کوچولو" در می کنه و می سوزه!  
به غیر از این ها شما در نظر مجربیده که این آدم تریپ جردنی مجربیده کامپیوترش را بذاره تو راه ولی چون تو احتمالاً در آنجا همه کاره است به شما خونه جاش نشسته و هر شب برون و پله دومی پشینه و با هاش چت کنه!  
تاشی، همون سگ کوچولوی سفیدش رو ورواسه اینکه جایی رو خونه نگیره، به جای لوستر آویزون کرده وسط هال! چون تو خونه به پرز برق

**سمپاچی نکنید!**

خبری، نسبت به عقب ماندن از دیگر شهرهای زرتشتی نشین هشاراده و خوستار بگیری جدی تر مساله شده اند؛ تا جایی که این عده اعلام کرده اند حاضرند در فرو ریختن تالار شیواز کمال همکاری را بنمایند!!!  
در این انقضای نواندیشی که از چشم و هم چشمی ناشی شده است، جای شکرش باقی است که در تالارها هنگام فرو ریختن کسی حضور نداشته است؛ و اگر نه شیوازی ها با این جمعیت کم معلوم نبود، چگونه می خواستند با دیگر شهرها به رقابت بپردازند؛ چه بسا که همین نواندیشان برای ایجاد یک تیر خیری آن چنانی موجب انقراض نسل جامعه زرتشتی شیوازی می شدند.  
تو ما در هر شماره امرداد؛ از کارهای عمرانی قابل توجهی در شهرهای زرتشتی نشین آگاه می شویم که نشان از همت و اراده قابل ستایش مسئولین انجمن ها و خیراندیشان دارد؛ و مطلب فوق نه در راستای ندیدن نیمه پر لیوان و نفی زحمات ایشان، بلکه به سامانه اشاره دارد که چرا با کمی توجه بیشتر، منابع این اتفاقات نامطلوب، که می تواند خدای ناکده شیمیائی به بار آورد، بشوریم و ده ها هزار قابل تقدیر خود را با نماندگان حوادث قابل پیش گیری، تحت الشعاع قرار ندیم. (تالار اجتماعات شیوازی سال پیش توسط انجمن به شکل زیبایی بازسازی شده است.)





مستوفی آزاد

الو، روز بخیر امرداد ؟ ! پیام گیر امرداد روی خط ۰۶۶۸۲۴۴۰ دریافت کننده پیام ها ، پیشنهادها و انتقادهای شما

من ساکن تهران پارس هستم . محله تهران پارس نیاز به یک مهد کودک دارد . چون دو مهد کودک که مخصوص زرتشتیان هستند در مرکز شهر قرار دارند و رفت و آمد برای همکیشان ساکن تهران پارس مشکل است.

نام محفوظ نوشته‌های امرداد بسیار زیور است . خواهش می‌کنم اگر قرار است پولش را هم بیشتر کنید ولی یک نخود درشتتر بنویسید تا بشود مطالب را خوانند .

بدون نام آیا گروه گاتا بویان مورد تأیید انجمن موبدان است ؟ چرا انجمن موبدان در این مورد سکوت اختیار کرده است ؟

بدون نام طبق اساتیدمان انجمن زرتشتیان تهران حقوق بگیران و مستاجرین انجمن نمی‌توانند عضو هیات مدیره انجمن شوند . پس چرا چند دوره است که این اتفاق می‌افتد و کسی حرف نمی‌زند ؟ باید کمیته‌ای برای بررسی اساتیدمان انجمن درست شود .

بررسی اساتیدمان

بررسی اساتیدمان

بنیاد فرهنگی جمشید برگزار می کند یک دوره کلاس طلا سازی

کلاس های فرهنگی بنیاد فرهنگی جمشید

کلاس های موسیقی بنیاد جمشید در تمامی رشته ها با

دکتر پرویز شهریاری: کنکور و تست ، دانش آموزان را به بیروانی می کشد

هنگامی که کنکور و تست در میان دانش آموزان و جوانان ما جریان داشته باشد ، هیچ گاه نخواهیم توانست به ارزش واقعی دانش

کنکور و تست در میان دانش آموزان و جوانان ما جریان داشته باشد ، هیچ گاه نخواهیم توانست به ارزش واقعی دانش

سخنرانی دبیر پیشین فیروز بهرام در دانشگاه تهران

دکتر افشین نیرمیرانیان استاد فیزیک دانشگاه علم و صنعت برای نخستین بار در جمع دانشجویان دانشگاه تهران در کنفرانسی با عنوان زساناهای ریز سخنرانی

ایران نخستین کشوری است که خدای یگانه و ناپیدا را پرستش کرد

ایران بدون شاهنامه ملاحظه تاریخی نداشت کشورهاست همواره دشمن دارد و قومی که همیشه

کشورهاست همواره دشمن دارد و قومی که همیشه نقشه های دوران ساسانی و اشکانی به زمان حال

کشورهاست همواره دشمن دارد و قومی که همیشه نقشه های دوران ساسانی و اشکانی به زمان حال

ایران بدون شاهنامه ملاحظه تاریخی نداشت

کشورهاست همواره دشمن دارد و قومی که همیشه نقشه های دوران ساسانی و اشکانی به زمان حال

کشورهاست همواره دشمن دارد و قومی که همیشه نقشه های دوران ساسانی و اشکانی به زمان حال

کشورهاست همواره دشمن دارد و قومی که همیشه نقشه های دوران ساسانی و اشکانی به زمان حال

یک شرکت بازرگانی صنعتی جهت تکمیل کار خود نیاز به پرسنل زیر دارد . ان واحدين شرايط تقاضا می شود

آیا می دانید؟ همه آنهايي که به وسيله ده اند به مردم معرفي شده اند اکنون ، موفق تر از ديگران هستند .

خدمات برق تلفن ۸۸۲۴۶۹۳۳ (پنهان بخت) سیم کشی ساختمان نصب اف اف ، آيفون ،تایمر راه پله رفع اتصالی برق و تلفن سرویس کولر

بسا کامپیوتر سخت افزار ، نرم افزار ، سرویس و پشتیبانی ، خدمات ، اینتر نت ، تعمیر قطعات

موبایل کامپیوز بهترین خریدار و فروشنده فوری چک ۲٪ فیش سیم کارت ضرر و کار کرده مسته ۳٪ گوشی نو و دست دوم

تایپ ارزان سریع پلمبات نامه در ۳ روز صفحه بندی ، تکثیر و سعافی در کوتاه ترین زمان

په فام خدای مهد کودک و مرکز پیش دبستانی سیند با دارا بودن فعالیتها و خدمات ذیل جهت رشد اجتماعی ، عاطفی ،

با هر سلیقه و بودجه ای در خدمت شما هستیم برگزاری کلیه مراسم جشن عروسی ، نامزدی ، تولد و یا مراسم مذهبی در منزل ، کارگاه ، رستم ، باغ ، خانه نرگس و یا هر مکان دیگر

مشارع املک شما در کرج مسکن پارسیان

راستین مسکن در خدمت همکیشان محترم خرید ، فروش ، رهن و اجاره

مشاور املک شما همکیشان در کرج رستم پرویزی

بهر انتخاب شما ۸۳۰۶۹۸۰ مزون دینسی

امرداد هفته نامه (هم اکنون در هفته بیکار) شهری ، فرهنگی ، اجتماعی ، تاملات ، بنیاد فرهنگی جمشید

پلاستیک سازی دهنده تولید کننده انواع لوله های موئی و روپفل پلاستیکی

مشاور املک شما همکیشان در کرج رستم پرویزی

بدینوسبیل از تمام کسانی که با تشریف فرمایی خود در آیین یابسته ای در گذشت روانشاد مادرمان خاور بهروز